

ادامه از صفحه اول

مصدق یا ابتهاج

...بلکه نگرانی برای ازدست‌دادن پیروزی‌های به‌دست‌آمده است و بازگشت به مدار صفر درجه سیاست سترون ایران. مصدق دیگر با گفتمان رایج بیگانه شده و اگرچه تن به انقلاب نمی‌داد، دریافته بود که دیگر با این گفتمان ناسازگار است. تبعید مصدق درواقع تولد دوباره‌اش بود.

بازگشت به تاریخ و مرور اینکه آیا مصدق توان دگرگونی‌های اساسی در ساختارهای دولت را داشت، یک بحث است و اینکه آیا این تغییرات ماندگار می‌شد و نتیجه می‌داد، بحث دیگری است. به این مسائل هنوز هم نمی‌توان پاسخ قاطعی داد؛ زیرا امر تجربه‌ناشده‌ای است که پاسخ آن در دل تاریخ نامکشوف باقی می‌ماند؛ اما با قاطعیت می‌توان گفت، مصدق فاعل سیاست نبود. او خالق سیاست بود. حضوری ناهمگام داشت که وضعیت سیاسی تازه‌ای خلق می‌کرد. مصدق توان سیاست بود، برعکس ابتهاج که نه توان سیاست، که فاعل سیاست بود. ابتهاج فاعل تغییرات جدی در ساختارهای بانکی و برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی در همان گفتمان رایج زمانه خودش بود و نمی‌خواست کردارهای حکومتی را که بر گفتارهایش چفت‌وبست شده بود، بشکند. قادر به این کار هم نبود. او فاعل مصلحتی در دل نهاد حکومتی بود؛ ملی‌گرایی دولتی و اصلاح‌طلبی حکومتی، ابتهاج یک چیز را خوب می‌دانست. می‌دانست چه می‌خواهد، درست برعکس مصدق که می‌دانست چه نمی‌خواهد. ابتهاج شیفته‌کینز، اقتصاددان و معمار دولت رفاه بود. در قدم اول می‌خواست نظام پولی کشور را سروسامان بدهد تا اختیار چاپ اسکناس در دست بانک ملی و دولت ایران باشد. ازاین‌رو با بانک شاهنشاهی (بانک ایران و انگلیس) سرشاخ می‌شود و از طریق راهکارهای قانونی و حقوقی، فعالیت این بانک را محدود می‌کند. مهم‌ترین اقدام او در این زمینه خارج‌کردن چاپ اسکناس ایران از دست این بانک است. او بانک شاهنشاهی را ناگزیر می‌کند تا به تعهدات یک بانک خارجی که با سرمایه سپرده‌گذاران ایرانی اداره می‌شود، پایبند باشد. از اقدامات مؤثر دیگرش اصرار به نظارت بر مبادلات و معاملات ارزی توسط بانک ملی است. دومین گام ابتهاج پی‌ریزی «سازمان برنامه» است. سازمانی برای سروسامان‌دادن به اقتصاد آشفته ایران. اقتصادی که تنها منبع درآمد آن نفت است و کدام دولت و حکومتی حاضر است این درآمد را از ید اختیار خود خارج کند و آن را به دیگری بپردازد تا قانون‌مند شود و حساب‌وکتاب داشته باشد. ابتهاج تلاش می‌کند که به این مهم دست یابد. سازمان برنامه را تشکیل می‌دهد و برنامه‌ریزی اقتصادی را با دعوت از مشاوران بانک جهانی پول آغاز می‌کند. اینکه ابتهاج موفق می‌شود یا نه و چه اقداماتی انجام می‌دهد چندان مهم نیست. مهم این است که او حکومت و دولت ایران را متوجه این نکته می‌کند که بدون برنامه‌ریزی اقتصادی ادامه حیات سیاسی هر دولتی ناممکن است. ابتهاج برعکس مصدق تکتیسین دانش و قدرت است و بر آن است تا حکومت ایران را با دنیای مدرن آشتی دهد و بیش از آنکه برای مردم را در سر داشته باشد، دغدغه مدرن‌شدن دولت و حکومت را دارد. کار ابتهاج در ایجاد سازمان برنامه ستودنی است. شاید او تنها کسی بود که می‌توانست این کار را عملی سازد؛ فردی ملی‌گرا که صرفا به منافع ملی می‌اندیشید، سودای قدرت سیاسی در سر نداشت و پیشنهاد شاه را برای نخست‌وزیری رد کرد و به دلیل خصیمه‌های فردی‌اش تمایلی به ثروت‌های بادآورده نداشت. ابوالحسن ابتهاج می‌دانست چه می‌خواهد، او فاعل سیاست بود، پس در پوست خود می‌گنجید. اگرچه او نیز قربانی دشمنانی مشترک با مصدق شد: آمریکا، انگلیس و غارتگران وطنی.

این یک موقعیت خاص تاریخی است؛ دو نفر با خصایص منحصربه‌فرد، با دشمنانی مشترک، این چنین از یکدیگر جدا و دورافتاده باشند. دو اصلاح‌طلب با دو موقعیت و رویکرد متفاوت که می‌توانستند در کنار یکدیگر قرار گیرند، اما مصدق به دلیل سوءظن تاریخی‌اش، به ابتهاج چندان خوش‌بین نبود. هرچند به او احترام بسیاری می‌گذاشت. در این دوران ابتهاج تلگرافی از صندوق بین‌المللی پول دریافت می‌کند. از وی درخواست شده بود تا به‌عنوان مشاور رئیس کل «آی‌آف» به واشگتن برود. ابتهاج دلش می‌خواست به ایران بازگردد. طی تلگرافی به حسین علاء که وزیر دربار بود خواسته‌اش را گفت. جواب وزیر دربار روشن بود. مصدق علاقه‌ای به بازگشت ابتهاج نداشت؛ اما از اینکه چنین مقامی در صندوق بین‌المللی پول به ابتهاج پیشنهاد شده، بسیار خوشحال بود. کلاه مصدق نبود که دست رد به سینه ابتهاج زد. این اتفاق را شرایط سیاسی آن روزگار رقم زده بود. مصدق، اصلا احگرایی درون بود که گفتارش دیگر در چارچوب اصلاحات از درون نمی‌گنجید، باید دست به دگرگونی اساسی می‌زد. تا پایان نیز مصدق با این کشش انقلابی گفتمان خود درگیر بود و با اینکه قریب به دو دهه انقلاب را به تأخیر انداخت، با انقلاب کوچکش توانست موتور انقلاب بزرگ را رنج قرن بعد روشن کند. مصدق ناهمگام انقلابی و ابتهاج عاری از انقلاب. هر دو قربانی یک سیاست واحد شدند. شاه به یوجین بلک، رئیس بانک جهانی که به ایران آمده و همراه ابتهاج میهمان شاه بود، گفت: «می‌دانید چرا ما ابتهاج را از بانک ملی کنار گذاشتیم؟ این دولت شما [آمریکا] نبود که به ما وعده داد در صورت برکناری او یک وام صدمیلیون دلاری به ما پرداخت خواهد کرد. ما این کار را کردیم، اما حتی یک دلار هم دریافت نکردیم.»

❖ **برنامه‌ریزی و قدرت در ایران: ابوالحسن ابتهاج و توسعه اقتصادی زیر سلطه شاه/ فرانسیس یوستاک و فجری جوزف ترجمه مهدی یازوی و علی حبیبی/ نشر کویر**

صدرا محقق، شکوفه حبیب‌زاده: سازمان تأمین اجتماعی اگرچه در نام و ماهیت کارش یک سازمان تخصصی و بیمه‌گر است؛ اما دست‌کم در آخرین سال‌های دولت محمود احمدی‌نژاد به یکی از پرمناقشه‌ترین و مسئله‌دارترین نهادهای کشور بدل شده بود. انتخاب سعید مرتضوی به‌عنوان مدیرعامل این سازمان و معاملات او با بایک زنجانی و همچنین دیگر حاشیه‌سازی‌های او مانند فیلم‌گرفتن مخفیانه از فاضل لاریجانی و پخش آن از سوی رئیس‌جمهوری وقت در صحن علنی مجلس بخش‌هایی از این حاشیه‌سازی‌ها بود. با پایان دولت دهم و آغازبه‌کار دولت حسن روحانی برای اولین‌بار در تاریخ سازمان تأمین اجتماعی مدیرعاملی که برای این سازمان انتخاب شد، از بدنه خود تأمین اجتماعی بود. تقی نوربخش پیش از مدیرعاملی، به مدت ۲۴ سال به‌عنوان کارشناس در سازمانی که حالا رئیس انجاست، کار کرده است. آن‌طور که خودش می‌گوید بلافاصله بعد از آغازبه‌کاری یکی از اصلی‌ترین اهدافی که در پیش گرفت، ایجاد امنیت اجتماعی و زدودن تشویش و اضطراب از جامعه بود؛ چراکه نیمی از مردم، بیمه‌شدگان این سازمان هستند. باوجوداین از آنجا که هنوز پرونده‌های دادگاهی بایک زنجانی و سعید مرتضوی به نتیجه نرسیده است و به دلیل آنکه سازمان تأمین اجتماعی یک طرف مهم این پرونده‌هاست، همچنان خواسته یا ناخواسته با این پرونده‌های جنجالی نامش‌گره خورده است؛ اما فارغ از این ماجرا، تغییرات و جابه‌جایی‌های مکرر در شتا (شرکت سرمایه‌گذاری سازمان تأمین اجتماعی) هم حاشیه‌هایی را برای این سازمان رقم زده است. پیرامون همین موضوعات و همچنین بعد از زمان روزها، یعنی فیش‌های حقوقی و موضوعات دیگری مانند وضعیت اقتصادی و مالی سازمان تأمین اجتماعی و تغییرات در شرکت‌های تابعه این سازمان به سراغ تقی نوربخش رقتیم و با او گفت‌وگو کردیم.
مشروح این گفت‌وگو در ادامه آمده است.

بحث داغ این روزهای فضای رساندای کشور بحث حقوق‌هاست. سازمان تأمین اجتماعی هم دست‌کم در زمان مدیرعامل قبلی، به لحاظ میزان حقوق‌های پرداختی و خرج‌کردن‌ها بسیار پرمسئله بود. سؤال اول را از همین موضوع شروع می‌کنیم، حقوق و دریافتی‌ها شما چقدر است؟

فیش حقوقی‌ام را به شما نشان می‌دهم؛ کاری که الان مد شده است (با خنده). آقای مرتضوی در سال ۱۲،۹۰۰ میلیون تومان حقوق می‌گرفت. بنده ۲۴ سال است که کارمند سازمان تأمین اجتماعی هستم و اولین مدیر در قبل و بعد از انقلاب هستم که از داخل سازمان انتخاب شده‌ام که نشانه اعتماد دکتر روحانی به بنده سازمان تأمین اجتماعی است. حقوق من با توجه به درجه ایثارگری و سایر مزایا، چهار میلیون تومان است که با اضافه‌شدن ۱۷۵ ساعت اضافه کار، حدود هشت میلیون تومان حقوق کارمندی من در سازمان است؛ یعنی اگر کارمند عادی سازمان بودم، چهار میلیون تومان حقوق می‌گرفتم (البته با بالاترین رتبه چون فلوشیپ فوق تخصصی دارم و ایثارگر هستم تا ۲۴ سال در سازمان سابقه دارم). بابت مدیرعاملی در سازمان تأمین اجتماعی یک ریال دریافت نمی‌کنم؛ چون این روزها را پیش‌بینی می‌کردم (بـا خنده). حقوق مدیرعامل و هیات‌مدیره سازمان طبق قانون براساس تصویب هیات امن تعیین می‌شود. در زمان دولت قبل ۱۲میلیون تومان برای مدیرعامل تعیین حقوق شده بود که هر سال به صورت سنوات افزایش پیدا کرده و ۱۴میلیون و ۲۵۰ هزار تومان شده بود. من در تاریخ ۹۲/۷/۱۵ برای دکتر ربیعی نامه‌ای به این مضمون نوشتم: «برادر ارجمند جناب دکتر ربیعی، وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سلام علیکم، احتراماً ضمن احترام به مصوبه هیات محترم امنا به نظر می‌رسد ضرایب حقوقی مندرج در مصوبه فوق‌الاشاره برای مدیرعامل سازمان بیمه‌گری که بسیاری از مستمری‌بگیران آن از حداقل حقوق و دستمزد برخوردار هستند، شایسته نیست. البته این موضوع نافی پرداخت حقوق و مزایا برای دیگر مدیران نیست که زحمات زیادی را تحمل می‌شوند؛ بنابراین مستعدی است موضوع حکم حقوقی این بنابرین برای تقلیل موارد مندرج در مصوبه هیات امنا دوباره مطرح بفرمایید.» ایشان گفتند ما نمی‌توانیم این مبلغ را تقلیل دهیم. این نامه را برای امور مالی نوشته‌ام که به من در حد حقوقی که به‌عنوان کارمند سازمان می‌گیرم، حقوق بدهید و بقیه را به سازمان تأمین اجتماعی هدیه می‌کنم؛ بنابراین پنج‌میلیون و ۲۰۰ هزار تومان به‌عنوان کسی که فوق تخصص است و ۱۷۵ ساعت اضافه‌کاری دارد و حکم کارمندی‌اش چهار میلیون تومان است، دریافت می‌کنم. تا این لحظه هم طبق گزارش مکتوبی که به دولت داده‌ام، حدود ۲۰۳ میلیون تومان از اصل حقوقم را به حساب سازمان تأمین اجتماعی برگردانده‌ام. ادعا می‌کنم هیچ مدیر دیگری حتی یکی از مسئولان سازمان‌های حمایتی که حکم حقوقی‌شان را منتشر کردند، کمتر از بنده حقوق دریافت نکرده‌اند. توجه داشته باشید که بنده مدیرعامل سازمانی هستم که گردش مالی سالانه ۱۰۰ هزار میلیارد تومان دارد. افتخار هم می‌کنم که کارمند این سازمان هستم و هیچ مدیری نمی‌تواند مدعی شود که حقوقی کمتر از بنده دریافت می‌کند. در ۲۴ سال خدمت در این سازمان یک بار وام نگرفته‌ام، مدیرعامل قبلی سازمان در یک سال حضورش ۵۰ میلیون تومان وام گرفت. از خانه سازمانی و تسهیلات استفاده نمی‌کنم. این دولت جزء پاک‌دست‌ترین دولت‌ها بعد از انقلاب اسلامی است. با اصلاح روش‌ها و قوانین که

ریشه در دولت قبل دارد، مشکلات حل می‌شود و نباید این مایه‌ای برای تعرض سیاسی به دولت شود؛ چون این دولت بیدی نیست که با این بادها بلرزد.
دلیل اینکه گفتید آن مقدار حقوق را نمی‌خواهید چه بوده است، به‌رحال شما مدیر هستید، سابقه دارید و خیلی غریب‌داری نیست اگر حقوق بالا دریافت کنید؟ واقعا این روزها را پیش‌بینی می‌کردید؟

ما سازمان بیمه‌گری هستیم که با کمال تأسف ۵۰درصد از مستمری‌بگیرانش حداقل حقوق و دستمزد حدود ۹۰۰هزار تومان را دریافت می‌کنند. در هشت سال دولت آقای احمدی‌نژاد ۴۳درصد به کل حقوق و دستمزد اضافه شد. در دولت آقای روحانی جمعاً ۷۹درصد حقوق و دستمزد را با تمام مشکلات کشور اضافه کرده‌ایم. یعنی هرسال بالاتر از تورم و بالاتر از رشد دستمزد برای کارمندان دولت، دستمزد را اضافه کرده‌ایم.
❧ **این کار در بلندمدت تعهد ایجاد نمی‌کند؟**

چرا اما ما متکفل تأمین زندگی مستمری‌بگیر هستیم. در این سازمان‌ها با این افزایش حقوق، مستمری‌بگیران ۹۰۰هزار تومان دریافت می‌کنند جایز نیست مدیرعامل این دستگاه حقوق بالایی دریافت کند. در آموزه‌های دینی‌مان هم این مورد هست. اگر این حقوق و دستمزد را نگیریم می‌توانم سیستم را کنترل کنم در غیر این صورت

توان ایجاد انضباط‌های مالی را در سیستم نخواهم داشت. شاید در سازمان‌های دیگر مانند بیمه و بانک

و... مدیرعامل‌ها حقوق بالایی دریافت کنند اما در این سازمان یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از مستمری‌بگیران حداقل دستمزد را دریافت می‌کنند. بنابراین برای خود دریافت چنین حقوقی را جایز نمی‌دانم.

❧ **دوره آقای مرتضوی، خاصه‌خرجی‌های دیگری هم انجام می‌شد که ارقامش هم منتشر شد. جز آنچه منتشر شده، آماری در دست دارید از خرج‌ها و هزینه‌هایی که تاکنون رسانه‌ای و خبری شده باشد؟**

سعی کردم خیلی به این موارد نپردازم چون وظیفه سازمان ایجاد امنیت اجتماعی و زدودن تشویش و اضطراب از جامعه است. نمی‌ای مردم، بیمه‌شدگان سازمان ما هستند. بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران اگر احساس یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از مستمری‌بگیران پرداخت‌ها خاصه‌خرجی و بی‌انضباطی مالی دارد، امنیت خاطر و آرامش از اذهان و نیروهای مولد جامعه دور می‌شود. اگر خودمان ناامنی فکری برای نیروی مولد و بیمه‌شده ایجاد کنیم، خلاف مأموریت سازمان عمل کرده‌ایم. معتقدم همه موارد از طریق مجاری قانونی باید انجام شود. سه اتفاق مهم در سازمان افتاد که ناامنی اجتماعی ایجاد کرد. اتفاق اول مربوط به پروسه‌ای بود که پول‌هایی توسط بانکی در مازنی انتقال می‌یافت که ماهیت هیچ‌کدام از این سه مرحله برای سازمان مشخص نیست. در واقع در این پروسه تقریباً نیمی از اموال سازمان به به یکشنبه سیه معروف شد پیش آمد و هرچند کلیت به یکشنبه سیه معامله می‌شد. البته بعداً گفتند خبر شد و پروسه فروش آن شرکت‌ها به بایک زنجانی تقاهنامه بوده و معامله نشده اما این تقاهنامه

اقتصاد

تقی نوربخش، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی در گفت‌وگو با «شرق» خبر داد

کدهای کشف رمز نشده مرتضوی



عکس: تقی نوربخش، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی

از لحاظ حقوقی جای بحث دارد چون معمولاً در تقاهنامه رقم ذکر نشده و چک ردوبدل نمی‌شود اما این تقاهنامه از نظر ماهیت به قرارداد بیشتر شبیه است. درواقع با بانکی که مرجعی مشخص ندارد، تقاهنامه با قراردادی در مورد نیمی از اموال سازمان بسته شد؛ اقدام به این کار اقدامی بود که بیشترین ناامنی را ایجاد می‌کرد. اقدام دوم موضوعی بود که به نام یکشنبه سیاه معروف شد. تصور کنید وقتی برای یک مراجعه‌کننده به سازمان، هرکسی که باشد، دوربین مخفی در اتاق بالاترین مسئول دستگاه، تعبیه شده و از مراجعه‌کننده مخفیانه فیلم‌برداری شده و در صحن علنی مجلس پخش شده است که از لحاظ معیارهای اخلاقی، ارزشی و حتی نظام اجرایی و انضباط اداری کاری زشت‌تر از این نیست، این کار انجام می‌شود برای اینکه تنازع بین دو قوه ایجاد شود. بنابراین آسیبی که آنها به سازمان وارد می‌کنند کمتر از پول‌هایی که داده شده نیست. اتفاق سوم مربوط به سال ۸۸ بود که تازه‌حال حدود هفت‌هزارو ۳۰۰میلیارد تومان برای سازمان بار مالی داشته است؛ اقدامی که منبعش کاملاً نامشخص بود. در این سال تحت عنوان همناس‌سازی، بند ۳۹ قانون بودجه برای مستمری‌بگیران ایجاد شد. به این معنی که همه حقوق‌ها به نسبتی افزایش پیدا کرد و طبیعتاً چون در قالب هیچ‌کدام از مواد

قانون تأمین اجتماعی برای افزایش دستمزد نبود، نه

❧ **آقای زنجانی با تقاهنامه‌ای که البته بیشتر به قرارداد شبیه بود، ۱۳۸ شرکت از بهترین شرکت‌های سازمان تأمین اجتماعی را که سودآور بودند دست‌چین و با حدود چهارمیلیارد یورو (۴۴۲میلیارد یز ژاپن) معامله کرده بود که البته خدا خواست و در بهمن سال ۹۱ آن قصه فیلم‌برداری مخفی و پخش فیلمش در مجلس پیش آمد و هرچند کلیت ماجرا بد بود، اما برای سازمان تأمین اجتماعی منشا خبر شد و پروسه فروش آن شرکت‌ها به بایک زنجانی متوقف شد**

قانون تأمین اجتماعی برای افزایش دستمزد نبود، نه ماده ۹۶ و نه ماده ۱۱۱ قانون تأمین اجتماعی، بار مالی را دولت باید تأمین می‌کرد که برای آن سال دوهزارو ۳۰۰میلیارد تومان بود که برای سازمان بار مالی بود و چون به سازمان تأمین اجتماعی نیامد، به‌اضافه اینکه چون حقوق و دستمزد را اضافه می‌کنیم هرسال به همان میزان بار مالی به سازمان وارد می‌شود. براساس صورت‌های مالی سازمان تأمین اجتماعی تازه‌حال ۲۰۰میلیارد تومان بار مالی از این طریق ایجاد شده است. یعنی یک اقدام غیربیمه‌ای اجتماعی شده که منبع آن را هم جایی قبول نمی‌کند که برای هر سه مورد شکایت کرده‌ایم.

❧ **آقای زنگنه اخیراً در مورد پرونده آقای بایک زنجانی واکنش نشان داد و زنجانی را با جعبه سیاه قیاس کرد. نظر سازمان تأمین اجتماعی در مورد روند این پرونده چیست؟**

ما یکی از شاکیان پرونده آقای زنجانی هستیم. ایشان اقدام به امضای تقاهنامه‌ای کرد که تقریباً اموال سازمان تأمین اجتماعی را به یغما می‌برد. یعنی او با تقاهنامه‌ای که البته بیشتر به قرارداد شبیه بود، ۱۳۸ شرکت از بهترین شرکت‌های سازمان تأمین اجتماعی را که سودآور بودند دست‌چین و با حدود چهارمیلیارد یورو (۴۴۲میلیارد یز ژاپن) معامله کرده بود که البته خدا خواست و در بهمن سال ۹۱ آن قصه فیلم‌برداری مخفی و پخش فیلمش در مجلس که به یکشنبه سیه معروف شد پیش آمد و هرچند کلیت به یغما یا سرقت سازمان تأمین اجتماعی منشا خیر شد و پروسه فروش آن شرکت‌ها به بایک زنجانی

متوقف شد. آقای زنجانی از پنج چکی که آقای مرتضوی بابت وثیقه این تقاهنامه داده بود، چهار چک را نزد شرکت نفت وثیقه گذاشته و با آنها معامله نفتی کرده بود. به‌همین دلیل ما در شکایت خودمان خیانت را امانت را برای او مطرح کردیم.

❧ **فرض کنید آقای زنجانی اعدام شود، نظر سازمان به لحاظ حقوقی چیست؟**

قاضی درباره بحث سازمان تأمین اجتماعی حکم به استرداد چک‌ها داده‌اند که هنوز به دلیل قطعی‌نشدن حکم، این کار انجام نشده است. قسمت عمده قصه، پول‌های شرکت نفت است که نزد وی است. البته چک‌های سازمان هم شاید عاملیت این کار بوده که این کار انجام شد. چون طبیعتاً شرکت نفت در آن زمان نیاز به وثیقه داشته است. به عنوان شهروند تصور می‌کنم تمام زوایای کار آقای زنجانی که بخشی از آن در سازمان بوده است باید روشن شود. معتقدم قانون ملاک عمل است و قوه قضائیه باید دراین‌باره تصمیم بگیرد و هرچه تصمیم بگیرد صحیح است.

❧ **ماجرایی که درباره بانک رفاه اتفاق افتاد و انتشار فیش حقوقی نجومی مدیرعامل آن، به لحاظ امنیت روانی مشابه همان اثری بود که کار آقای زنجانی با سازمان تأمین اجتماعی داشت. نظرتان دراین‌باره چیست؟**

حقوق و دستمزد طبیعتاً مینا و منشأ تقنینی دارد. مثلاً حقوق مدیرعامل سازمان را هیات امنا و حقوق کارمندان دولت را قانون خدمات کشوری تعیین می‌کنند. درباره حقوق هیات‌مدیره و مدیران عامل بانک‌ها در اوایل مرداد سال ۹۲، آقای رحیمی که معاون اول رئیس‌جمهور بودند مصوبه‌ای از دولت را که در اردیبهشت مصوب شده بود صادر کردند و طبق آن اعلام کردند حقوق و دستمزد باید براساس حقوق و دستمزد مدیرعامل بانک صنعت و معدن در بخش دولتی تعیین شود. بانک رفاه تا سال ۹۰ دولتی بود و بعد خصوصی شد. درباره بانک‌های خصوصی، مجمع بانک در سال ۹۲ مصوبه‌ای داد که براساس حقوق و دستمزد میانگین بانک ملت و تجارت، حقوق و دستمزد هیات‌مدیره و مدیرعامل بانک رفاه هم تعیین شود که تقریباً مقدار کمی بالاتر از بانک صنعت و معدن بود. آقای صدقی که در ابتدای خرداد سال ۹۴ منصوب شد، به دلیل اینکه مصوبه مجمع هنوز صادر نشده بود تا پایان سال ۹۴ حقوقی دریافت نکرد. مصوبه این بود که برابر بانک تجارت حقوق و دستمزد دریافت کند. براساس سند مالی که در اسفند ۹۴ برای ایشان زده شد، ایشان حقوق و دستمزدش را دریافت کرد که مربوط به حقوق ۱۰ ماه بود. اینکه سیستم اداری ما اشکالات زیادی دارد شکی نیست. ازجمله مصوبه آقای رحیمی یا مصوبه‌ای که درباره حقوق و دستمزد مدیرعامل صندوق توسعه ملی بود که دچار اشکال است. حتی مصوبه هیات امنای سازمان برای حقوق مدیرعامل به نظر می‌رسد برای سازمان تأمین اجتماعی زیاد باشد. یکی از این اشکالات ممکن است مربوط به پرداخت مدیران باشد؛ البته این به آن معنا نیست که همه مدیران حقوق نامتعارف دریافت می‌کنند. معتقدم در درجه اول این کارها باید از طریق

نظام‌دادن به سیستم حقوق و دستمزد اصلاح شود که دولت آقای روحانی هم این کار را انجام می‌دهد یعنی قوانینی که براساس آنها مدیران حقوق‌های نامتعارف می‌گیرند مبنای حقوقی‌شان اصلاح شود. البته در واحدهای تجاری، شرکت‌ها و واحدهای بازره دولتی و مالی آنها مهم است حقوق باید از ارتباطی باشد با درجه بازره مالی‌شان باشد؛ یعنی اگر قرار باشد همه یکسان حقوق بگیرند طبیعتاً دلیلی ندارد مدیری که در بنگاه تجاری، بانک یا بیمه کار می‌کند، ارزش افزوده ایجاد کند اما نباید سقف دستمزد از حدی بالاتر باشد.

❧ **به عنوان کسی که قبل از این اتفاقات در سال ۹۲ اعلام کردید حقوق بالاتر از عرف را قبول نمی‌کنید، وقتی این خبر درباره حقوق‌های غیرمتعارف منتشر شد چه حسی داشتید؟**

همان حسی که در سال ۹۲ داشتم. حس خصص‌ام این بود در کشوری که بسیاری از مردم با مشکلات اقتصادی روبه‌رو هستند، بایک حقوق‌های بسیار بالا دریافت کرد. بحث من درباره مدیران ارشد است. اسوه ما حضرت علی(ع) است که حاکم جهان اسلام بوده و به‌طور متعارف می‌توانسته از مزیت‌های خوب زندگی و معیشتی برخوردار باشد اما در پایین‌ترین سطح جامعه بوده است؛ یا حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری که از یک زندگی کاملاً معمولی و ساده برخوردار بوده و هستند. بنابراین رهبران و مسئولان جامعه باید دراین‌زمینه هم ایثار داشته باشند. گفته من به این معنی نیست که برای کارشناسان ارشد که کارهای برجسته می‌کنند، حتی کارمندان ارجمندمان تنصیق مالی ایجاد کنیم یا پرسنل سازمان‌ها بخشی از حقوقشان را ببخشند، بلکه افراد باید بنا به عملکرد و کارکردشان برای سیستم حقوق دریافت کنند.

❧ **به تعبیر مقام معظم رهبری خیلی از مدیران پاک‌دست هستند وقتی چند مدیر این‌نظم را می‌شکنند و به تعبیری باعث بدنامی ساختار دولت می‌شوند اتفاق خوبی است که این کارها افشا شود. فرقی نمی‌کند کدام رسانه این کار را انجام دهد. موافق هستید؟**

گاهی بحث اختلاس و رانت مالی است افعال بسیار زشتی است. اما گاهی مکانیسم و آیین‌نامه پرداخت برای مدیر به گونه‌ای است که حقوقش بالاتر از بقیه است که باید این‌نامه درست شود.

ادامه در صفحه ۱۷

بورس

بورس جهانی به کانال مثبت بازگشت

دور مجوز اوراق رهنی



❖ **مجتبی شهبازی**
❖ **مدیر معاملات کارگزاری بانک پاسارگاد**

❖ همان‌طور که در یادداشت هفته گذشته پیش‌بینی شد، روزهای خوبی در انتظار بازار است. افزایش نسبی شاخص و حجم معاملات روبه‌رشد، خود گویای این نکته است. در پایان معاملات هفته منتهی به ۹ تیر ۱۳۹۵، شاخص کل با ۲۹۶ واحد افزایش نسبت به هفته قبل، به رقم ۷۲ هزارو ۹۴۰ واحد رسید. دراین‌میان تعداد چهارهزارو ۲۱۹میلیون سهم و حق تقدم در ۲۸۵ هزار دفعه مورد معامله قرار گرفت و به‌رتیب ۱۰ درصد و ۱۲ درصد افزایش را نسبت به هفته گذشته تجربه کرد. در هفته جاری ساخت محصولات فلزی با ۹۰۱۰ درصد، خودرو و ساخت قطعات با ۷۰۰۴ درصد، انتشار، چاپ و تکثیر با ۶،۲۴ درصد، ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی با ۴،۲۲ درصد و سرمایه‌گذاری‌ها با ۳،۹۵ درصد، بیشترین تغییر مثبت در شاخص را نسبت به سایر گروه‌ها به خود اختصاص دادند. در هفته گذشته شاخص فرابورس نیز با کاهش۱۸کد در حجم معاملات خرید در فرابورس نیز به‌رتیب شامل فلزات اساسی ۲۲ درصد، خودرو و ماشین‌آلات و ۱۰۶درصد، سرمایه‌گذاری‌ها ۱۰درصد، انبوه‌سازی، املاک و مستغلات هفت درصد و حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات شش درصد بوده است. اگرچه در ابتدای هفته گذشته شاهد بودیم خبری مردم انگلستان به خروج این کشور از اتحادیه اروپا، موجب ترس و وحشت در بازارهای جهانی و نیز بهای بازار سرمایه کشور شد، ولی به‌تدریج این خبر از اهمیت خود افتاد و بازارهای جهانی و حتی بورس لندن نیز به نقطه قبل از این تصمیم رسید. نشانه دیگر به‌وجودآمدن ثبات در بازارهای جهانی، ادامه رشد قیمت کامودیتی در بازارهای جهانی بوده است. دراین‌میان کاهش متوالی قیمت نفت در این روزها و پیش‌بینی کارشناسان نفتی مبنی بر موقتی‌بودن این کاهش، نیز دور از نظر بازار نخواهد بود. بازار در این هفته با وجود نوسان در شاخص، شاهد نوعی خوش‌بینی و دید مثبت در میان فعالان بازار بوده است. حجم خوب معاملات در گروه‌های خودروسازی، سرمایه‌گذاری و محصولات فلزی و معدنی از تحرکات عمده بازار بوده است. پس از خبر کاهش سود سپرده‌های بانکی در هفته گذشته نیز خبر تعیین سود حداکثر ۱۸درصدی تسهیلات عقود مشارکتی و غیرمشارکتی، از سوی شورای پول و اعتبار و تغییرات گسترده مدیریتی در گروه بانکی و مدیران اقتصادی، نیز ازجمله حواشی بانکی اواخر هفته گذشته بوده که باید منتظر ماند و دید عکس‌العمل سازمان بورس و اوراق بهادار مجوز انتشار مبلغ سه هزار میلیارد ریال اوراق رهنی را به‌عنوان جدیدترین اثر تأمین مالی در بازار سرمایه صادر کرد. این اوراق با هدف خروج بازار مسکن از رکود و ایجاد تحرک در این بخش منتشر می‌شود.

عنوان شاخص	۲ تیر	۹ تیر	تغییر
کل	۷۳۶۴۸۰	۷۳۹۴۰۳	۲۹۵۵
شاخص قیمت	۲۶۷۸۹۶	۲۶۸۸۸	۹۸۴
شاخص کل (معدله)	۱۳۴۰۴۶	۱۳۷۴۳۳	۳۳۸۷
شاخص قیمت (معدله)	۱۱۰۴۱۶	۱۱۱۴۷۲	۱۰۵۶
آرژداشاو	۸۳۴۰۴	۸۳۰۳۳۲	۶۹۲۸
۵۰شرکت بزرگ	۶۹۱۷۵	۶۹۲۲۵	۵

ارز و طلا

طلا تسلیم دوساله را شکست

❖ **شرق:** افزایش نرخ طلا در بازارهای جهانی، بازار طلای ایران را مستقیماً تحت‌تأثیر قرار داد. به نحوی که رئیس اتحادیه طلا و جواهر از تجربه بالاترین قیمت طلا در دو سال گذشته خبر داد. محمد کشتی‌آرای با اشاره به نوسانات قیمت طلا و سکه در هفته اخیر گفت: در هفته‌ای که گذشت با توجه به افزایش قیمت دلار شاهد افزایش قیمت سکه و طلا در داخل بودیم. به گزارش سایت طلا، به گفته وی، قیمت طلا و سکه در هفته آینده برگرفته از اعلام شاخص‌های آمریکا خواهد بود. علاوه بر آنکه مؤسسه مالی کردیت سوئیس در تازه‌ترین گزارش خود پیش‌بینی کرده است که ادامه نااطمینانی‌های اقتصادی در جهان موجب خواهد شد قیمت هر اونس طلا تا اوایل سال آینده به بیش از هزارو ۵۰۰ دلار افزایش یابد.

ارز	قیمت(میل)	تغییر
دلار آمریکا	۳۵۲۹	-۱۱
یورو	۳۹۳۵	-۱۰
پوند	۴۷۶۶	-۷۷
درهم	۹۶۵	+۱
طلا و سکه	قیمت	تغییر
طرح جدید	۱،۰۸۴،۰۰۰	-۱۰۰۰
طرح قدیم	۱،۰۸۳،۰۰۰	-
نیم	۵۴۷،۰۰۰	+۷۰۰۰
ربع	۲۸۷،۰۰۰	+۲۰۰۰
گرمی	۱۸۸،۰۰۰	+۳۰۰۰
گرم ۱۸ عیار	۱۱۶،۴۰۰	+۱۰۰
اونس (دلار)	۱۳۳۶۰۱	+۱۴۵